



## رابطه میان سبک‌های فرزندپروری و نشانه‌های اضطراب اجتماعی: نقش واسطه‌ای حساسیت بین فردی و نقش تعدیل‌کننده فرونشانی

### The Relationship between Parenting Styles and the Social Anxiety signs: The Mediating Role of Interpersonal Sensitivity and the Moderating Role of Suppression

Mohamad Ali Rezaei  
Zahra Taherifar  
Hojatollah Farahani

محمد علی رضایی\*  
زهرا طاهری فر\*\*  
حجت‌اله فراهانی\*\*\*

#### Abstract

The aim of the present study was to examine the relationship between parenting styles and social anxiety signs in Tehran College students, with the mediating role of interpersonal sensitivity and the moderating role of suppression. As for the fundamental goal and data collection, the present study was a correlational and cross-sectional study. The participants of this study were the students of university of Tehran who were studying in the academic year 2021. The participants were 226 college students (137 females and 89 males) selected through an available sample. Due to the outbreak of Covid-19, questionnaires were distributed on online platforms. In this study, we used the questionnaires of Liebowitz social anxiety scale (LSAS), Buri parenting styles scale (PAQ), Boyce and Parker interpersonal sensitivity scale (IPSM), and Gross emotional regulation scale (ERQ). Pearson's correlation coefficient and mediator-moderator effect analytical statistical model were used and all statistical procedures were performed using SPSS 21 and R.4.1.1. The results showed that there is a significant relationship between parenting styles and signs of social anxiety ( $P > 0/01$ ,  $r = 0/21$ ). This study also showed that parenting style influences social anxiety through interpersonal sensitivity ( $P > 0/05$ ). Therefore, interpersonal sensitivity plays a mediating role, but the suppression role as a moderator in the relationship of parenting styles and social anxiety symptoms was not confirmed ( $\beta = 0/022$ ,  $P < 0/05$ ). In view of the results of this study, the implementation of appropriate parenting workshops to teach parenting styles to parents is highly recommended to prevent anxiety problems such as social anxiety.

**Keywords:** Parenting Styles, Parenting Style, Social Anxiety signs, Interpersonal Sensitivity, Suppression.

\* کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

\*\* نویسنده مسئول: استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

\*\*\* استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

## مقدمه

فرزندپروری به روش‌ها و رفتارهای ویژه والدین گفته می‌شود که به صورت جداگانه یا در ارتباط با یکدیگر با فرزند خود درپیش می‌گیرند و بر رشد کودک تأثیر می‌گذارند (بامریند، ۱۹۹۱). با مریند با توجه به پژوهش‌های که براساس مشاهده طبیعی، مصاحبه بالینی با والدین و سایر شیوه‌ها انجام داد، چهار سبک فرزندپروری مقتدرانه<sup>۱</sup>، مستبدانه<sup>۲</sup>، آسان‌گیر<sup>۳</sup> و بی‌اعتنا<sup>۴</sup> را معرفی کرده است. پژوهش‌ها ثابت کرده‌اند بین سبک‌های فرزندپروری و تجربه‌های دوران کودکی با اضطراب و دیگر اختلال‌های روان‌شناختی مانند افسردگی و اختلال‌های شخصیت در بزرگسالی رابطه مستقیمی وجود دارد (بامریند، ۱۹۷۱؛ نوهارت، ۱۹۹۸؛ بک، ۱۹۷۶؛ جانسون، کوهن، چن، کاسن و بروک، ۲۰۰۶).

اختلال اضطراب اجتماعی<sup>۵</sup> یکی از شایع‌ترین اختلال‌های روانی است و با شیوع ۱۳ درصد پس از اختلال افسردگی<sup>۶</sup> عمده با ۱۷ درصد و وابستگی به الکل<sup>۷</sup> با ۱۴ درصد در رتبه سوم قرار دارد (داداش‌زاده، ۱۳۸۸). همچنین یکی از رایج‌ترین اختلال‌ها در میان کودکان و نوجوانان است (هافمن و بارلو، ۲۰۰۲؛ بیسودو و همکاران، ۲۰۰۷). از رایج‌ترین علائم این اختلال می‌توان به ترس شدید و پایدار از موقعیت‌هایی اشاره کرد که فرد ممکن است قضاوت شود (انجمن روان‌پزشکی آمریکا<sup>۸</sup>، ۲۰۱۳). همچنین این افراد در موقعیت‌های اجتماعی مختلف ترس از طرد و تمسخر شدن دارند و به مرور زمان به انسان‌هایی منزوی تبدیل می‌شوند (رپی و هایمرگ، ۱۹۹۷). در نهایت نیز ممکن است به سوء‌مصرف مواد روی بیاورند و به انسان‌هایی افسرده تبدیل شوند (بیسودو و همکاران، ۲۰۰۷).

ویژگی دیگر افراد دارای نشانه‌های اختلال اضطراب اجتماعی، حساسیت بین‌فردی<sup>۹</sup> است؛ یعنی داشتن نوعی حساسیت به ارزیابی منفی شدن، مواجهه با انتقاد و احساس بی‌کفایتی کردن در ارتباط با دیگران در موقعیت‌های اجتماعی (بایس و همکاران، ۱۹۹۳). تحقیقاتی که درباره حساسیت بین‌فردی صورت گرفته است، نشان می‌دهد افرادی با این ویژگی برای کنترل این حساسیت از راهکارهای مختلفی برای تنظیم هیجان<sup>۱۰</sup> خود استفاده می‌کنند. یکی از این راهکارها فرونشانی<sup>۱۱</sup> است که دلیل استفاده از آن ترس از قضاوت شدن است (هانالی، وانگ و هی‌وون، ۲۰۱۹). فرونشانی راهکار منفی تنظیم هیجان به‌شمار می‌آید و به معنای کنترل هوشیارانه حالت چهره، تن صدا و سایر احساس‌ها هنگام مواجهه با موقعیت اضطراب‌زاست

- 
1. authoritative
  2. authoritarian
  3. permissive
  4. neglectful
  5. social anxiety disorder
  6. major depressive disorder
  7. alcoholism
  8. American Psychiatric Association
  9. interpersonal sensitivity
  10. emotion regulation
  11. suppression

(گیلبرت، ۲۰۱۲).

با توجه به آنچه گفته شد، هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با نشانه‌های اضطراب اجتماعی با توجه به نقش واسطه‌ای حساسیت بین‌فردی و نقش تعدیل‌کنندگی فرونشانی بود. با توجه به ملاحظات نظری و یافته‌های موجود درباره موضوع مورد بررسی، فرضیه‌های این پژوهش به صورت زیر بررسی شدند:

۱. حساسیت بین‌فردی نقشی واسطه‌ای بین سبک‌های فرزندپروری و نشانه‌های اضطراب اجتماعی دارد.
۲. فرونشانی نقش تعدیل‌کنندگی بین سبک‌های فرزندپروری و نشانه‌های اضطراب اجتماعی دارد.
۳. سبک‌های فرزندپروری با نشانه‌های اضطراب اجتماعی رابطه‌ای مستقیم دارد.

## روش

### جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف بنیادی و از لحاظ گردآوری داده‌ها، همبستگی و مطالعه‌ای مقطعی بود. جامعه آماری آن دانشجویان دختر و پسر بود که در مقطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۰ مشغول به تحصیل بودند. جامعه هدف هم شامل دانشجویانی بود که به فضای مجازی واتس‌آپ و تلگرام دسترسی داشتند. نمونه‌گیری دانشجویان به روش در دسترس انجام شد. همچنین با توجه به فراگیری ویروس کرونا و تعطیل بودن دانشگاه‌ها لینک پرسشنامه‌ها به صورت الکترونیکی در اختیار دانشجویان قرار گرفت. در حجم نمونه با توجه به اینکه چهار متغیر مشاهده‌شده در مدل پژوهش وجود دارد، حداکثر ده پارامتر برآورد شد و به ازای هر پارامتر ۲۰ نفر انتخاب شدند. همچنین با احتساب نرخ ریزش ۱۰ درصد در مجموع حجم نمونه ۲۲۰ نفر در نظر گرفته شد و در نهایت ۲۲۶ پرسشنامه تکمیل و تجزیه و تحلیل شد. گروه نمونه شامل ۱۳۷ زن (۶۰/۶ درصد) و ۸۹ مرد (۳۹/۴ درصد) بود. معیارهای ورود به پژوهش شامل رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان و همچنین تحصیل در یکی از دانشکده‌های دانشگاه تهران بود. معیارهای خروج در این پژوهش تکمیل نکردن پرسشنامه‌ها و تحصیل نکردن در دانشگاه تهران بود. برای گردآوری داده‌های پرسشنامه‌ها به صورت آنلاین در نرم‌افزار پرس‌لاین طراحی شدند، سپس لینک مربوط به تکمیل کردن پرسشنامه‌ها در شبکه‌های اجتماعی واتس‌آپ و تلگرام به انضمام رضایت آگاهانه در اختیار دانشجویان دانشگاه تهران قرار داده و از آن‌ها خواسته شد با توجه به ملاک‌های ورودی مطرح‌شده در صورت تمایل به پرسشنامه‌ها پاسخ بدهند. ملاحظات اخلاقی شامل آگاه‌شدن شرکت‌کنندگان از هدف پژوهش، آزادی کامل برای شرکت کردن یا نکردن در پژوهش، دریافت رضایت آگاهانه و تضمین رازداری رعایت شد.

## ابزار سنجش

پرسشنامه اضطراب اجتماعی لیوویتز<sup>۱</sup> (LSAS)

این پرسشنامه را لیوویتز در سال ۱۹۸۷ ساخت که در آن شدت اضطراب اجتماعی و اجتناب بررسی می‌شود. این پرسشنامه ۲۴ سؤال دارد که ۱۳ پرسش آن به اضطراب عملکرد و بقیه به اضطراب در موقعیت‌های اجتماعی مربوط می‌شوند. همچنین ۶ خرده‌مقیاس دارد که عبارت‌اند از: کل ترسی که افراد در موقعیت‌های گوناگونی که ارائه شده است با آن مواجه می‌شوند، کل ترسی که در تعامل‌های اجتماعی با آن مواجه می‌شوند، کل اجتناب فرد از هریک از این موقعیت‌ها، اجتناب از برقراری تعامل‌های اجتماعی، رفتارهای اجزایی در میان جمع و در نهایت نمره کل ترس و اجتناب. پایین‌ترین نمره فرد صفر و بالاترین نمره‌ای که فرد می‌تواند در این پرسشنامه بگیرد، ۱۴۴ است. در پژوهش بکر، هینریچ، کیم و هافمن<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) به نقل از جزایری، گلدین، وارنر، زیو و گروس، (۲۰۱۲) که برای به‌دست‌آوردن روایی و پایایی این مقیاس به‌منزله یک مقیاس خودگزارشی انجام شد، ۱۷۵ فرد مبتلا به اختلال اضطراب اجتماعی استفاده شد. پایایی بازآزمایی این مقیاس بعد از ۱۲ هفته، ۰/۸۳ و در سطح ۰/۰۱ معنادار بود. همسانی درونی آن نیز ۰/۹۵ به‌دست آمد. این مقیاس را در ایران شایان (۱۳۹۲) انجام داد و پایایی بازآزمایی پرسشنامه را ۰/۸۷ و در سطح معناداری ۰/۰۱ مثبت و معنادار گزارش کرد.

پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری<sup>۳</sup> (PAQ)

این پرسشنامه که بوری (۱۹۹۱) براساس سبک‌های فرزندپروری بامریند ساخته است، از ۳۰ مقیاس و ۳ خرده مقیاس سبک آسان‌گیر (۱۰ سؤال)، سبک مستبدانه (۱۰ سؤال) و والدین سبک مقتدر منطقی (۱۰ سؤال) تشکیل شده است. پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری به‌صورت طیف لیکرت پنج‌نقطه‌ای از شدیداً مخالف، مخالف، بی‌تفاوت، موافق و شدیداً موافق است و امتیاز آن‌ها به‌ترتیب از ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ در نظر گرفته شده است. حداقل امتیاز فرد در این پرسشنامه ۳۰ و حداکثر امتیاز ممکن ۱۵۰ است. هرچه امتیاز به‌دست‌آمده فرد از این پرسشنامه بیشتر باشد، نشان می‌دهد سبک فرزندپروری والدین او استبدادی‌تر است. بوری (۱۹۹۱) برای مشخص کردن روایی پرسشنامه از روش روایی افتراقی استفاده کرده است. نتایج آن نیز بدین‌صورت است که سبک آمرانه مادر با سبک سهل‌گیر او رابطه معکوس ۰/۳۸-، سبک آمرانه پدر با سبک سهل‌گیر او رابطه معکوس ۰/۵۰-، سبک آمرانه مادر با سبک اقتداری مادر رابطه معکوس ۰/۴۸- و سبک آمرانه پدر با سبک اقتداری پدر رابطه معکوس ۰/۵۲- داشت؛ درحالی‌که سبک اقتداری مادر با سبک سهل‌گیر او ۰/۰۷ و سبک اقتداری پدر با سبک سهل‌گیر پدر ۰/۱۲ همبستگی مثبت غیرمعنادار داشتند. اسفندیاری (۱۳۷۴) پایایی بازآزمایی این پرسشنامه را که بعد از گذشت یک هفته از اجرای اولیه، بار دیگر از ۱۲ نفر از مادران نمونه

1. Liebowitz Social Anxiety Scale (LSAS)

2. Baker, S. L., Heinrich, N., Kim, H.-J., &amp; Hoffman, S. G

3. Parenting Authority Questionnaire (PAQ)

مورد مطالعه خواسته بود پرسشنامه را تکمیل کنند، برای شیوه‌سهل‌گیر ۰/۶۹، برای شیوه‌آمرانه ۰/۷۷ و برای شیوه‌اقتداری ۰/۷۳ به‌دست آورده است (به نقل از بشارت، عزیزی و پورشریفی، ۱۳۹۰).

### پرسشنامه حساسیت بین‌فردی<sup>۱</sup> (IPSM)

این پرسشنامه را بایس و پارکر (۱۹۸۹) برای سنجش حساسیت بین‌فردی یا حساسیت به طرد اجتماعی ابداع کردند. این پرسشنامه شامل ۳۶ سؤال و ۵ زیرمقیاس آگاهی بین‌فردی، نیاز به تأیید، اضطراب جدایی، کمرویی و عزت‌نفس شکننده اس. همچنین دارای مقیاس چهاردرجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم، تا حدودی مخالفم، تا حدودی موافقم و کاملاً موافقم تشکیل شده است. این پرسشنامه نمره‌گذاری معکوس ندارد. بالاترین نمره‌ای که آزمودنی می‌تواند بگیرد ۱۴۴ و پایین‌ترین نمره صفر است. هرچه نمره به ۱۴۴ نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده حساسیت بین‌فردی بالا و هرچه پایین‌تر باشد بیان‌کننده حساسیت بین‌فردی پایین‌تر است. بایس و پارکر (۱۹۸۹) آلفای کرونباخ را برای زیرمقیاس‌های آگاهی بین‌فردی ۰/۷۶، نیاز به تأیید ۰/۵۵، اضطراب جدایی ۰/۶۷، کمرویی ۰/۶۳، عزت‌نفس شکننده ۰/۵۹ و کل مقیاس ۰/۸۶ به‌دست آوردند. همچنین آن‌ها روایی هم‌زمان این آزمون را با آزمون قضاوت بالینی حساسیت بین‌فردی ۷۲٪ برآورد کردند که نشانگر روایی هم‌زمان بالای این پرسشنامه است. در ایران محمدیان، ماهکی، دهقانی و عاطف وحید (۲۰۱۷) به بررسی مشخصات روان‌سنجی این پرسشنامه پرداختند. آن‌ها آلفای کرونباخ این پرسشنامه را برای زیرمقیاس‌های آگاهی بین‌فردی ۰/۷۰، نیاز به تأیید ۰/۵۱، اضطراب جدایی ۰/۵۸، کمرویی ۰/۵۸، عزت‌نفس شکننده ۰/۷۰ و کل مقیاس ۰/۸۰ به‌دست آوردند.

### پرسشنامه راهبردهای تنظیم هیجان<sup>۲</sup> (ERQ)

این پرسشنامه را گراس (۲۰۰۲ الف) تنظیم کرده است که به‌منظور ارزیابی دو راهکار تنظیم هیجان شامل فرونشانی<sup>۳</sup> و ارزیابی مجدد<sup>۴</sup> طراحی شده است و شامل ۱۰ ماده و ۲ خرده‌مقیاس ارزیابی مجدد با ۶ گویه و فرونشانی با ۴ گویه است. شرکت‌کنندگان در یک مقیاس لیکرت هفت‌درجه‌ای از به‌شدت مخالفم (با نمره ۱) تا به‌شدت موافقم (با نمره ۷) پاسخ می‌دهند. حداقل نمره‌ای که فرد در این آزمون می‌گیرد، ۱۰ و حداکثر ۷۰ است. ضریب آلفای کرونباخ برای ارزیابی مجدد ۰/۷۹، برای فرونشانی ۰/۷۳ و پایایی بازآزمایی برای کل مقیاس ۰/۶۹ گزارش شده است (گراس، ۲۰۰۲، ب). ضریب همسانی درونی این مقیاس در دانشگاه میلان برای ارزیابی مجدد از ۰/۶۸ - ۰/۴۸ و برای فرونشانی ۰/۶۳ - ۰/۴۲ به‌دست آمده است (بالزاروتی، جان و گراس، ۲۰۱۰). در ایران نیز تاشک (۱۳۹۰) مشخصات روان‌سنجی این مقیاس را به‌دست آورده است. در پژوهش تاشک (۱۳۹۰) آلفای کرونباخ مقیاس ارزیابی مجدد ۰/۸۷ و مقیاس فرونشانی ۰/۹۰ به‌دست آمد

1. Interpersonal Sensitivity Questionnaire (ISQ)
2. Emotion Regulation Questionnaire (ERQ)
3. suppression
4. reappraisal

(طاهری‌فر، فردوسی، موتایی، مظاهری و فتی، ۱۳۹۴).

### روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تحلیل آماری در بخش توصیفی از ضریب همبستگی پیرسون و در قسمت یافته‌های استنباطی از مدل آماری تحلیل اثر میانجی- تعدیل‌کننده استفاده شده و همه مراحل آماری به کمک نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۱ و R.4.1.1 انجام شده است. نرم‌افزار R.4.1.1 یکی از زبان‌های برنامه‌نویسی پرکاربرد برای داده کاوی است که به منظور انجام محاسبات آماری و تحلیلی روی داده‌ها از آن استفاده می‌شود. همچنین در رشته‌های علوم پایه و رشته‌های مختلف پزشکی، فنی و غیره که به نوعی با محاسبات آماری سروکار دارند، کاربرد دارد.

### یافته‌ها

#### الف) توصیف جمعیت شناختی

براساس آمار جمعیت‌شناختی افراد مورد مطالعه، بیشتر پاسخ‌دهندگان را به ترتیب دانشجویان کارشناسی با ۶۱/۶ درصد (۱۳۹ نفر)، کارشناسی ارشد با ۳۴/۵ درصد (۷۸ نفر)، دکتری با ۳/۱ درصد (۷ نفر) و فارغ‌التحصیل شده در مقطع دکتری با ۰/۹ درصد (۲ نفر) تشکیل داده‌اند. همچنین در میان شرکت‌کنندگان ۶۰/۶ درصد (۱۳۷ نفر)، زن و ۳۹/۴ درصد (۸۹ نفر) مرد بودند. آمار جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان به تفکیک جنسیت و مقطع تحصیلی در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. آمار جمعیت‌شناختی

متغیر	تعداد	درصد
زن	۱۳۷	۶۰/۶
مرد	۸۹	۳۹/۴
کارشناسی	۱۳۹	۶۱/۵
کارشناسی ارشد	۷۸	۳۴/۵
دکتری	۷	۳/۱
فارغ‌التحصیل	۲	۰/۹
مجموع	۲۲۶	

## ب) توصیف شاخص‌ها

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	انحراف استاندارد	میانگین	چولگی	کشیدگی
اضطراب اجتماعی	۲۱/۷۶	۵۱/۱۸	-۰/۵۸۰	-۰/۵۲۵
سبک فرزندپروری	۱۳/۲۶	۸۷/۵۰	۰/۳۴	۲/۷۶
حساسیت بین فردی	۱۵/۰۱	۹۲/۷۳	۰/۰۵۳	۰/۲۳۶
فرونشانی	۵/۳۱	۱۴/۴۲	۰/۱۱۵	-۰/۶۹۱

جدول ۳. بررسی همبستگی متغیرها با یکدیگر

متغیر	۱	۲	۳	۴
اضطراب اجتماعی	۱			
سبک‌های فرزندپروری	۰/۲۱**	۱		
حساسیت بین فردی	۰/۳۸**	۰/۱۲	۱	
فرونشانی	۰/۴۱**	۰/۰۲	۰/۲۹**	۱

\* $P < ۰/۰۵$  \*\* $P < ۰/۰۱$ 

با توجه به جدول ۳، نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد بین سبک‌های فرزندپروری و اضطراب اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد ( $r = ۰/۲۱$ ،  $P < ۰/۰۱$ ). همچنین بین اضطراب اجتماعی و حساسیت بین فردی ( $r = ۰/۳۸$ ،  $P < ۰/۰۱$ )، اضطراب اجتماعی و فرونشانی ( $r = ۰/۴۱$ ،  $P < ۰/۰۱$ ) و بین حساسیت بین فردی و فرونشانی ( $r = ۰/۲۹$ ،  $P < ۰/۰۱$ ) رابطه معناداری وجود دارد، اما بین سبک‌های فرزندپروری و حساسیت بین فردی ( $r = ۰/۱۲$ ،  $P > ۰/۰۱$ ) و سبک‌های فرزندپروری و فرونشانی ( $r = ۰/۰۲$ ،  $P > ۰/۰۵$ ) رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول ۴. بررسی اثر واسطه‌ای حساسیت بین فردی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و اضطراب اجتماعی

مسیرها	B	T	P	حد پایین	حد بالا
سبک‌های فرزندپروری به اضطراب اجتماعی با استفاده از حساسیت بین فردی	۰/۳۸	۳/۵۳	۰/۰۰۱	۰/۱۷	۰/۵۹

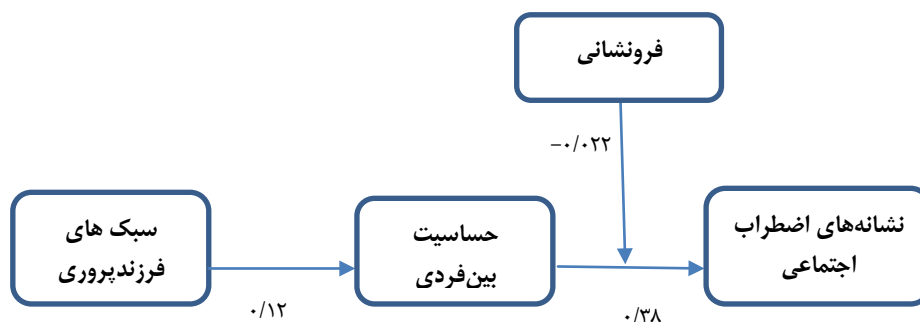
با توجه به جدول ۴ می‌توان مشاهده کرد اثر متغیر واسطه‌ای حساسیت بین فردی ( $\beta = ۰/۳۸$ ،  $P < ۰/۰۵$ ) در رابطه سبک‌های فرزندپروری و اضطراب اجتماعی معنادار است.

جدول ۵. اثر تعدیل‌کنندگی فرونشانی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و نشانه‌های اضطراب اجتماعی

متغیر وابسته نشانه‌های اضطراب اجتماعی					
مقدار $\beta$	مقدار T	مقدار P	حد پایین	حد بالا	
۳/۲۳۲	۲/۰۰	۰/۰۴۵	-۰/۰۷۵	۶/۳۰۶	فرونشانی
-۰/۶۲۰	۲/۱۶	۰/۰۳۱	-۰/۰۲۴	۱/۱۱۶	سبک‌های فرزندپروری
-۰/۰۲۲	-۱/۲۱	۰/۲۲۵	-۰/۰۵۵	۰/۰۱۵	فرونشانی*سبک‌های فرزندپروری

با توجه به جدول ۵، ضرایب اثر متغیر فرونشانی بر اضطراب اجتماعی ( $\beta = ۳/۲۳۲$ ,  $P < ۰/۰۵$ )، همچنین ضرایب اثر سبک‌های فرزندپروری بر اضطراب اجتماعی ( $\beta = ۰/۶۲$ ,  $P < ۰/۰۵$ )، مثبت و معنادار هستند، اما ضرایب اثر فرونشانی و سبک‌های فرزندپروری بر اضطراب اجتماعی ( $\beta = -۰/۰۲۲$ ,  $P > ۰/۰۵$ ) منفی است و معنادار نیست.

### ج) مدل پژوهش



شکل ۱. مدل ساختاری رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با نشانه‌های اضطراب اجتماعی با نقش واسطه‌ای حساسیت بین فردی و نقش تعدیل‌کنندگی فرونشانی

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان می‌دهد بین نمره‌های به‌دست‌آمده از پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری والدین و پرسشنامه اضطراب اجتماعی رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد؛ بنابراین فرضیه اول پژوهش تأیید شد؛ بنابراین می‌توان گفت هر چقدر سبک فرزندپروری والدین مستبدانه‌تر باشد، احتمال اینکه فرزندانشان با نشانه‌های اضطراب اجتماعی مواجه شوند، بیشتر است. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های جفری‌وود و همکاران (۲۰۰۲)، گینزبورگ و شولزبرگ (۲۰۰۲)، فراتحلیل بریس و گای (۲۰۰۷)، اسپوکاس (۲۰۰۷)، کارین، کاه و کلاین (۲۰۰۸) و ویکس، کوپلان و کینگزبورگ (۲۰۰۹) همسویی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت،



شیوه‌های گوناگونی که والدین برای فرزندپروری دارند، سبب بروز رفتارهای مختلف در میان کودکان و نوجوان‌ها می‌شود؛ به بیان دیگر رفتارهایی که کودکان و نوجوان‌ها دارند و شیوه برخورد و تعامل آن‌ها با دنیای بیرون و افراد جامعه به شدت از شیوه‌های فرزندپروری والدینشان تأثیر می‌گیرد. والدینی که از کودکان و نوجوان‌های خود به شیوه مناسب حمایت می‌کنند و رابطه گرم و صمیمی با آن‌ها دارند، فرزندان آن‌ها نیز مهارت‌های اجتماعی مورد نیاز را به خوبی کسب می‌کنند (ماسن، ۱۳۸۰).

برخلاف والدین گرم و صمیمی، والدین محدودکننده و طردکننده به شیوه‌های مختلف فرزندان خود را محروم می‌کنند و درنهایت فرزندان سرخورده پرورش می‌دهند که نمی‌توانند استعداد و علایق خود را بروز بدهند. با گذشت زمان این باور در کودکان به وجود می‌آید که بدون والدین خود نمی‌توانند مسائل و مشکلات روزمره‌شان را حل کنند و این باور سبب ایجاد احساس ترس و اضطراب در آن‌ها می‌شود. اگرچه با ایجاد قوانین سخت می‌شود کودکان را کنترل کرد، درنهایت کودکانی وابسته، سلطه‌پذیر و سرکش وارد جامعه می‌شوند (ماسن، ۱۳۸۰). والدینی که با فرزندان خود صمیمی نیستند و با رفتارهایی مانند تهدیدکردن<sup>۱</sup>، قهرکردن<sup>۲</sup>، طردکردن<sup>۳</sup> و تنبیه کردن<sup>۴</sup> سعی می‌کنند آن‌ها را کنترل کنند، کودکانی پرورش می‌دهند که با مشکلات روحی و روانی زیادی از جمله اضطراب اجتماعی مواجه می‌شوند (ماسن، ۱۳۸۰). سبک‌های فرزندپروری که در هر فرهنگ و جامعه‌ای غالب است، رابطه مستقیمی با تحول اجتماعی آن جامعه و فرهنگ دارد. روان‌شناس‌ها سال‌هاست تمایل به مشارکت در تعامل‌های اجتماعی و برقراری روابط با انسان‌های دیگر را برای سلامت روان ضروری و تمایل نداشتن به حضور در جامعه را نشانه وجود آسیب می‌دانند؛ در نتیجه افرادی که نشانه‌های اضطراب اجتماعی دارند، با این مشکل مواجه هستند (جان‌بزرگی، آگاه و هریس، ۱۳۸۷).

بنابراین اضطراب اجتماعی می‌تواند در سرنوشت و آینده کودکان تأثیرگذار باشد و شخصیت<sup>۵</sup> و نوع تعامل آن‌ها را تعیین کند. از آنجا که ریشه بسیاری از مشکلات رفتاری و شخصیتی کودکان را باید در نوع فرزندپروری والدین جست‌وجو کرد، می‌توان گفت خانواده مهم‌ترین نقش را در پیشرفت رفتاری و شخصیتی کودکان دارد و مهم‌ترین عاملی است که باید برای پیشگیری از ایجاد این چنین مشکلاتی مدنظر قرار دهیم (اسپوکاس، ۲۰۰۷؛ ویکس، کوپلان و کینگزبورگ، ۲۰۰۹).

خانواده به دلیل نقش مهمی که در تعیین نوع شخصیت و تعامل کودک دارد، می‌تواند در ایجاد نشانه‌های اضطراب اجتماعی تسهیل‌کننده<sup>۶</sup> یا بازدارنده<sup>۷</sup> باشد؛ البته عوامل بسیاری می‌تواند در ایجاد اضطراب اجتماعی

- 
1. threat
  2. sulky
  3. rejection
  4. punish
  5. character
  6. facilitate
  7. limiting

نقش داشته باشد، اما بی‌شک سبک‌های فرزندپروری یکی از مهم‌ترین عوامل است (اسپوکاس، ۲۰۰۷؛ ویکس، کویلان و کینگزبورگ، ۲۰۰۹). به‌طور کلی خانواده نقشی بسیار اساسی در سلامت روان و رشد مناسب کودک دارد و شیوه‌های فرزندپروری یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین ارکان خانواده در تربیت کودک است. در این میان، بی‌توجهی والدین به فراهم کردن محیط مناسب برای رشد کودک چه از نظر روحی و روانی و چه از نظر جسمی و نبود روابط صمیمی می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیر بسیاری مانند اختلال‌های اضطرابی به کودک وارد کند (گنجی، ۱۳۹۳).

همچنین پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد بین سبک فرزندپروری مستبدانه و اضطراب اجتماعی رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد. به عبارت دیگر سبک فرزندپروری مستبدانه می‌تواند سبب ایجاد اضطراب اجتماعی در کودک شود. همچنین والدینی که از تنبیه و روش‌های مستبدانه برای کنترل فرزندان خود استفاده می‌کردند، اضطراب اجتماعی فرزندان آن‌ها شدیدتر بوده است (مسگر، ۱۳۹۷).

نتایج پژوهش حاضر و پژوهش‌های مشابه پیشین، نشان‌دهنده نقش بسیار مؤثر و مهم خانواده به‌ویژه سبک‌های فرزندپروری و نوع تعامل آن‌ها در خانواده با سلامت روان و رشد بهینه کودکان است؛ از این رو حساسیت بین‌فردی سبب می‌شود سبک‌های فرزندپروری بر نشانه‌های اضطراب اجتماعی تأثیر بگذارد؛ از این رو می‌توان گفت حساسیت بین‌فردی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و نشانه‌های اضطراب اجتماعی نقش واسطه‌ای دارد و این موضوع فرض دوم پژوهش را تأیید می‌کند؛ یعنی هر چقدر والدین مؤلفه‌های حساسیت بین‌فردی را شدیدتر داشته باشد، تأثیر این موضوع بر فرزندپروری بیشتر خواهد شد و احتمال اینکه فرزندان آن‌ها با اضطراب اجتماعی نیز مواجه شوند، بیشتر می‌شود.

نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج پژوهش‌های هارب، هیمبرگ، اسچنریر، فرسکو و لیویتز (۲۰۰۲)، ساریکام، جنسدوگان و اروزکان (۲۰۱۲)، فورسیس (۲۰۱۴)، باهتیار اریسلان (۲۰۱۵)، نارچال و مک‌داویت (۲۰۱۷)، نیجف و آنجل (۲۰۰۷) و رودولف (۲۰۰۲) همسویی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت حساسیت بین‌فردی که هوشیاری<sup>۱</sup>، توجه مفرط<sup>۲</sup> به دیدگاه و احساس‌های دیگران تعریف می‌شود و مؤلفه‌های آن حساسیت زیاد به رفتارهای دیگران، اضطراب طردشدن، نداشتن جرئت‌ورزی<sup>۳</sup>، داشتن خودی شکننده<sup>۴</sup> و نیاز به تأیید دیگران است، با بسیاری از ویژگی‌های افراد دارای اضطراب اجتماعی مشابه است. هر خانواده‌ای که سبک فرزندپروری‌اش به سمتی برود که مؤلفه‌های حساسیت بین‌فردی را در کودک تقویت کند، احتمال اینکه آن کودک دچار اضطراب اجتماعی شود، بیشتر است (هارب و همکاران، ۲۰۰۲).

گیلبرت، آیرون، اولسن، گیلبرت و مکون (۲۰۰۶) ثابت کردند افراد دارای اضطراب اجتماعی، حساسیت بین‌فردی بالا و عزت‌نفس<sup>۵</sup> و اعتمادبه‌نفس<sup>۱</sup> پایینی دارند. همچنین خیلی سریع ناراحت و عصبانی می‌شوند،

- 
1. awareness
  2. excessive attention
  3. lack of courage
  4. fragile self
  5. self esteem

به مسخره‌شدن و انتقادشدن از سوی دیگران بسیار حساس هستند و در عمل هم واکنش‌های شدیدی از خودشان نشان می‌دهند. از سوی دیگر در جمع احساس راحتی نمی‌کنند و سریع معذب می‌شوند؛ بنابراین در صورت امکان، در این نوع مجلس‌ها و مهمانی‌ها شرکت نمی‌کنند یا خیلی سریع آنجا را ترک می‌کنند. آن‌ها اهل کارهای همراه با ریسک نیستند، انسان‌های بسیار محتاطی هستند و در بیشتر اوقات رفتارهای دیگران را به صورت تهدید ادراک می‌کنند؛ بنابراین در روابط بین‌فردی استرس و اضطراب زیادی را تحمل می‌کنند.

افراد با حساسیت بین‌فردی بیشتر اوقات بدبین‌تر از دیگران هستند؛ بنابراین همیشه در برابر اتفاقات اطرافشان و رابطه‌هایشان حالت تهاجمی دارند. همین نگرش سبب می‌شود دیگران از آن‌ها فاصله بگیرند. همچنین این افراد بیشتر از دیگران در تنهایی به سر می‌برند و همین امر هم سبب می‌شود حمایت کمتری از خانواده و دوستان خودشان دریافت کنند که این چرخه در نهایت به افزایش اضطراب اجتماعی می‌انجامد (فورسیس، ۲۰۱۴). براساس پژوهش بایس و پارکر (۱۹۸۹) افرادی که اضطراب اجتماعی دارند، سعی می‌کنند رفتارهای خود را براساس خواسته‌ها و توقعات اطرافیان‌شان تغییر دهند تا از سوی آنان طرد یا انتقاد نشوند، با وجود این باز هم ترس از قضاوت و طردشدن را احساس می‌کنند و لذت کمی از تجمع‌ها و مهمانی‌ها می‌برند.

با توجه به نتایج می‌توان مشاهده کرد نقش تعدیل‌کنندگی متغیر فرونشانی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و اضطراب اجتماعی در این مدل معنادار نیست و فرضیه سوم پژوهش حاضر رد می‌شود. نتیجه حاصل از این پژوهش با نتیجه پژوهش زمان، شیپمن و سووگ (۲۰۰۲) که نشان دادند راهبرد فرونشانی پیش‌بینی‌کننده سطح بالای اضطراب و افسردگی است، همسویی ندارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت در این مدل، اگر والدین از راهبرد فرونشانی در سبک فرزندپروری خودشان استفاده کنند یا نه، تأثیری در ایجاد نشانه‌های اضطراب اجتماعی در کودکان ندارد. در مدل حاضر والدینی که نشانه‌های اضطراب اجتماعی را دارند، اگر هنگام فرزندپروری برای کنترل اضطراب‌شان از راهبرد فرونشانی استفاده نکنند یا نکنند، تأثیری در کاهش احتمال مبتلاشدن فرزندان آن‌ها به اضطراب اجتماعی ندارد و همچنان احتمال اینکه فرزندان‌شان با نشانه‌های اضطراب اجتماعی مواجه شوند، بسیار است.

در نهایت پژوهش حاضر به دنبال درک بهتر از رابطه سبک‌های فرزندپروری و نشانه‌های اضطراب اجتماعی با نقش واسطه‌ای حساسیت بین‌فردی و نقش تعدیل‌کنندگی فرونشانی بود. پژوهش‌های مشابه پیشین روابط بین این متغیرها را نشان داده است، اما بررسی این متغیرها در کنار یکدیگر با این مدل و روش برای اولین بار بود که تحقیق شد. نتایج این پژوهش تأیید می‌کند سبک‌های فرزندپروری رابطه‌ای مستقیم با نشانه‌های اضطراب اجتماعی دارد. همچنین به صورت مستقیم و غیرمستقیم به وسیله حساسیت بین‌فردی بر نشانه‌های اضطراب اجتماعی تأثیر می‌گذارد و حساسیت بین‌فردی نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند، اما راهبرد

فرونشانی تأثیری بر رابطه سبک‌های فرزندپروری و نشانه‌های اضطراب اجتماعی در مدل حاضر ندارد. از جمله محدودیت‌های این مطالعه این بود که پژوهش حاضر در میان دانشجویان تمامی مقاطع تحصیلی دانشگاه تهران انجام شده است؛ بنابراین برای کاربرد و تعمیم آن به سایر مقاطع تحصیلی پایین‌تر و سایر گروه‌های سنی باید جانب احتیاط را رعایت کرد. امکان تأثیرگذاری متغیرهای دیگر مانند رشته تحصیلی، سن و جنسیت بر نتایج وجود دارد. به دلیل مقطعی بودن این پژوهش امکان نتیجه‌گیری علی از نتایج آن وجود ندارد. از آنجا که ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بوده است، به پژوهشگران آینده توصیه می‌شود به منظور افزایش اعتبار نتایج به دست آمده از دیگر روش‌های پژوهشی ممکن مانند روش‌های آزمایشی استفاده شود. پیشنهاد می‌شود تأثیر سایر راهبردهای تنظیم هیجان از قبیل پذیرش و ارزیابی مجدد نیز در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و نشانه‌های اضطراب اجتماعی بررسی شود. با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش و تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر نشانه‌های اضطراب اجتماعی پیشنهاد می‌شود کارگاه‌های آموزشی مناسب برای آموزش سبک‌های فرزندپروری به والدین برگزار شود تا از ایجاد مشکلات اضطرابی مانند اضطراب اجتماعی پیشگیری شود.

## منابع

- بشارت، م. ع.، عزیزی، ک.، و پورشریفی، ح. (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با کمال‌گرایی فرزندان در نمونه‌ای از خانواده ایرانی. فصلنامه خانواده پژوهی، ۷(۲)، ۱۴۵-۱۶۰.
- تاشک، آ. (۱۳۹۰). بررسی مدل خودتنظیم‌گری سازگاری با درد در بیماران سرطانی: نقش برون‌گرایی، نوروزگرایی، راهبردهای تنظیم هیجان و مقابله. رساله دکتری تخصصی روان‌شناسی سلامت. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه تهران.
- جان‌بزرگی، م.، آگاه، ن.، و هریس، م. (۱۳۸۷). آموزش اخلاق، رفتار اجتماعی و قانون‌پذیری به کودکان. تهران: ارجمند.
- داداش‌زاده، ش. (۱۳۸۸). بررسی رابطه سبک زندگی و میزان تاب‌آوری والدین دارای فرزندان ۱۴ تا ۱۸ ساله با و بدون اختلال سلوک از شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی کودکان استثنایی. دانشگاه علامه طباطبائی. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- شایان، ش. (۱۳۹۲). بررسی اثربخشی برنامه اصلاح عزت‌نفس ضمنی بر افزایش عزت‌نفس ضمنی و کاهش ترس از ارزیابی منفی ضمنی در افراد دارای اختلال اضطراب اجتماعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی. دانشگاه شیراز.
- گنجی، م. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی روانی براساس DSM-5. جلد ۱. تهران: ارجمند.
- طاهریفر، ز.، فردوسی، س.، موتابی، ف.، مظاهری، م. ع.، و فتی، ل. (۱۳۹۴). نقش واسطه‌ای نارسایی راهبردهای تنظیم هیجان در رابطه شدت هیجان منفی و انگیزش ایمنی با نشانه‌های اضطراب فراگیر. روان‌شناسی معاصر، ۱۰(۲)، ۵۵-۶۶.
- ماسن، پ. ه. (۱۳۸۰). رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسایی. تهران: ماد.

مسگر، ر.، و تقوایی، د. (۱۳۹۷). پیش‌بینی هراس اجتماعی براساس سبک‌های مقابله با استرس و شیوه‌های فرزندپروری. *رویش روان‌شناسی*. ۷(۱۲)، ۳۲۷-۳۴۲.

## References

- Balzarotti, S., John, O. P., & Gross, J. J. (2010). An Italian adaptation of the emotion regulation questionnaire. *European Journal of Psychological Assessment*, 26(1), 61.
- Baumrind, D. (1991). Effective parenting during the early adolescent transition. *Family Transitions*, 2(1), 1.
- Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology*, 4(1p2), 1.
- Eraslan-Capan, B. (2015). Interpersonal sensitivity and problematic Facebook use in Turkish university students. *The Anthropologist*, 21(3), 395-403.
- Beck, A. T. (1979). *Cognitive therapy and the emotional disorders*. Penguin.
- Calvete, E., Estévez, A., López de Arroyabe, E., & Ruiz, P. (2005). The Schema Questionnaire--Short Form: Structure and Relationship with Automatic Thoughts and Symptoms of Affective Disorders. *European Journal of Psychological Assessment*, 21(2), 90.
- Beesdo, K., Bittner, A., Pine, D. S., Stein, M. B., Höfler, M., Lieb, R., & Wittchen, H. U. (2007). Incidence of social anxiety disorder and the consistent risk for secondary depression in the first three decades of life. *Archives of general psychiatry*, 64(8), 903-912.
- Buri, J. R. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of personality assessment*, 57(1), 110-119.
- Boyce, P., & Parker, G. (1989). Development of a scale to measure interpersonal sensitivity. *Australian and New Zealand Journal of Psychiatry*, 23(3), 341-351.
- Boyce, P., Hickie, I., Parker, G., Mitchell, P., Wilhelm, K., & Brodaty, H. (1993). Specificity of interpersonal sensitivity to non-melancholic depression. *Journal of Affective Disorders*, 27(2), 101-105.
- Brase, G. L., & Guy, E. C. (2004). The demographics of mate value and self-esteem. *Personality and Individual Differences*, 36(2), 471-484.
- Carini, R. M., Kuh, G. D., & Klein, S. P. (2006). Student engagement and student learning: Testing the linkages. *Research in Higher Education*, 47(1), 1-32.
- Forsythe, V. A. (2014). *Choosing emotion regulation strategies: the effects of interpersonal cues and symptoms of Borderline Personality Disorder*. The Ohio State University.
- Lee, H., Ahn, J. K., & Kwon, J. H. (2019). Effects of self-image on anxiety, judgement bias and emotion regulation in social anxiety disorder. *Behavioral and Cognitive Psychotherapy*, 47(1), 81-94.
- Harb, G. C., Heimberg, R. G., Fresco, D. M., Schneier, F. R., & Liebowitz, M. R. (2002). The psychometric properties of the Interpersonal Sensitivity Measure in social anxiety disorder. *Behavior Research and Therapy*, 40(8), 961-979.
- Hofmann, S. G., & Barlow, D. H. (2002). *Social phobia (social anxiety*

- disorder). *Anxiety and its disorders: The nature and treatment of anxiety and panic*, 2, 454-476.
- Gilbert, K. E. (2012). The neglected role of positive emotion in adolescent psychopathology. *Clinical Psychology Review*, 32(6), 467-481.
- Gilbert, P., Irons, C., Olsen, K., Gilbert, J., & McEwan, K. (2006). Interpersonal sensitivities: Their links to mood, anger and gender. *Psychology and Psychotherapy: Theory, Research and Practice*, 79(1), 37-51.
- Gross, J. J. (2002a). Emotion regulation: Affective, cognitive, and social consequences. *Psychophysiology*, 39(3), 281-291.
- Gross, J. J. (2002b). Emotion regulation. In: L. Feldman- Barrett & P. Salovey (Eds), *The wisdom in feeling*. America, New York: The Guilford Press.
- Ginsburg, G. S., & Schlossberg, M. C. (2002). Family-based treatment of childhood anxiety disorders. *International Review of Psychiatry*, 14(2), 143-154.
- Jazaieri, H., Goldin, P. R., Werner, K., Ziv, M., & Gross, J. J. (2012). A randomized trial of MBSR versus aerobic exercise for social anxiety disorder. *Journal of Clinical Psychology*, 68(7), 715-731.
- Wood, J. J., McLeod, B. D., Sigman, M., Hwang, W. C., & Chu, B. C. (2002). Parenting and childhood anxiety: Theory, empirical findings, and future directions. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 44(1), 134-151.
- Johnson, J. G., Cohen, P., Chen, H., Kasen, S., & Brook, J. S. (2006). Parenting behaviors associated with risk for offspring personality disorder during adulthood. *Archives of general psychiatry*, 63(5), 579-587.
- Liebowitz, M. R., & Pharmacopsychiatry, M. P. (1987). *Social phobia*. New York, NY: Guilford Publications.
- Mohammadian, Y., Mahaki, B., Lavasani, F. F., Dehghani, M. A. (2017). The psychometric properties of the Persian version of Interpersonal Sensitivity Measure. *Journal of research in medical sciences: the official journal of Isfahan University of Medical Science*, 22, 10.
- Narchal, R., & McDavitt, S. A. (2017). Loneliness and anxiety sensitivity: understanding behavioural avoidance in the lonely. *Acta Psychopathologica*.
- Neuharth, D. (1998). *If you had controlling parents: How to make peace with your past and take your place in the world*. Harper Collins.
- Nijhof, K. S. & Engels, R. C. M. E. (2007). Parenting styles, coping strategies, and the expression of homesickness. *Journal of Adolescence*, 30(5), 709-720.
- Rapee, R., & Heimberg, R. (1997). A cognitive-behavioural model of anxiety in social phobia. *Behavior Research and Therapy*, 35(8), 741-756.
- Rudolph, K. (2002). Gender differences in emotional responses to interpersonal stress during adolescences. *Journal of Adolescent Health*, 30(4), 3-13.
- Saricam, H., Gencdogan, B., & Erozkhan, A. (2012). The examination of the relationship between the university students' rejection sensitivities, self esteem and loneliness levels. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 46, 2716-2720.
- Spokas, M. E. (2007). Cognitive biases in social phobia. *Psychiatry*, 6(5), 204-210.
- Weeks, M., Coplan, R. J. & Kingsbury, A. (2009). The correlates and consequences of early appearing social anxiety in young children. *Journal of Anxiety Disorders*,

23(7), 965-972.

Zeman, J. Shipman, K., & Suveg, C. (2002). Anger and sadness regulation: Predictions to internalizing and externalizing symptoms in children. *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, 31(3), 393-398.